



## طریقت های احتمالی جایگزین بر جماعت گولن در ترکیه کدامند؟

یکی از مهمترین مسائلی که ذهن بسیاری از شهروندان ترکیه و افکار عمومی جهانی را به خود مشغول کرده، گزینه های احتمالی ای است که جایگزین جماعت گولن در ترکیه و حتی تمامی کشورهای تحت سلطه جماعت مذکور، خواهند شد.

آران نیوز: یکی از مهمترین مسائلی که ذهن بسیاری از شهروندان ترکیه و افکار عمومی جهانی را به خود مشغول کرده، گزینه های احتمالی ای است که جایگزین جماعت گولن در ترکیه و حتی تمامی کشورهای تحت سلطه جماعت مذکور، خواهند شد. در این خصوص، این روزها بحث ها و نشست های علمی مختلف و همچنین تحلیل های سیاسی مذهبی متفاوتی در رسانه های تصویری و صوتی، روزنامه ها و وب سایت های خبری ترکیه انجام می شود.

در این خصوص می توان به یکی از اظهارات ولی آق بابا معاون حزب جمهوری خواه خلق با اشاره به تغییر و تحولات پساکودتا ترکیه اشاره داشت: «طریقت های دیگری جایگزین جماعت گولن می شوند، ساختار موازی جدیدی در حال تأسیس است.»

در اصل از زمان شروع تسویه نیروهای جماعت گولن یعنی از تاریخ 25/17 دسامبر 2013، دولت حزب عدالت و توسعه اقدام به جایگزینی نیروهای وابسته به خود در نهادها و ادارات دولتی مختلف کرده است. سلیمانچی ها از جمله طریقت هایی می باشد که بیشترین نیروهای جایگزین از آن انتخاب شده اند. طریقت اسماعیل آقا نیز یکی از مدعی ترین طریقت های حال حاضر ترکیه است. همچنین خیلی از تحلیل گران از نفوذ و قدرت طریقت منزل جی ها در ساختار دولت حرف می زنند.

آیا این طریقت ها همانند جماعت گولن با نفوذ در ساختار دولت و کنترل آن، تهدیدی برای دولت حاکم خواهند بود؟ و یا اینکه آیا می توان این ادعا را مطرح کرد که طریقت های مذکور با نگاهی به پرونده سلف های ذکرگویی خود، تا مغز و قلب «نظم جدید» نفوذ کرده و آن را تصاحب خواهند نمود؟

علیرغم حس رقابت طریقت های فوق الذکر برای نفوذ در ساختار سیاسی «دین باز»، با نگاهی به پرونده و سوابق رسمی- سمبولیک آنها می توان توخالی بوده تلاش آنها را ادعا کرد و اینکه آنها به هیچ وجه نمی توانند همانند جماعت گولن چنین تشکیلات قدرتمند تشکیل داده و ساختار دولت را در اختیار بگیرند. چرا که این طریقت ها یک تفاوت «مهم» با جماعت گولن دارند:

«هر چند طریقت های مذکور یک جهت گیری از «تقوا» به سمت «ماسوا» (غیر خدا و تعلقات دنیوی) دارند و میل سرمایه گذاری و تأسیس شرکت های تجاری و هلدینگ های مالی در آنها زیاد است؛ اما یک چیز در آنها وجود ندارد: «جهانی شدن». اما جماعت گولن یک «نظم دیالوگ بین الادیانی جهانی» به وجود آورد و این تنها خصوصیت ویژه جماعت گولن می باشد که آن را از دیگر طریقت ها تفریق می کند. حتی تنها نکته ای که جماعت گولن را از حزب عدالت و توسعه متمایز می کرد، «مدیریت یک پروژه جهانی» بود؛ حزب عدالت و توسعه در داخل ترکیه توده ای و جمعی شد اما جماعت گولن در سطح جهان بین المللی گردید.»

طریقت های موجود در ترکیه هم که اسامی مهمترین آنها در سطور بالا ذکر شد، در سطح داخلی نفوذ دارند؛ لذا همانند جماعت گولن از ظرفیت و توانایی لازم در خصوص برقراری ارتباطات جهانی برخوردار نیستند. البته گفتنی است طبیعتاً طریقت ها در آینده ترکیه تأثیرگذار خواهند بود، چرا که در صفوف دولت حاکم نفوذ دارند و اعضای آنها در پست های مهم از جمله نماینده مجلس، وزیر، و شهردار انجام وظیفه می کنند. اما باز هم کافی نیست؛ چرا که آن چیزی که وضعیت حال و آینده ترکیه را به تصویر خواهد کشید «تصمیمات و انتصابات شخص اول مملکت» یعنی رجب طیب اردوغان است. اردوغان نه نجم الدین اربکان است، نه سلیمان دمیرل و نه تورگوت اوزال؛ سه شخصیت سیاسی مهم مذکور آدم «دیندار» بودند اما «آموزش دینی» ندیده بودند. اربکان و اوزال مرید و تابع علمی و قلبی «محمد زاهد کوتکو» شیخ اسکندر پاشا نقشی بودند؛ دمیرل هم علیرغم اینکه وابسته به طریقت نورجی بود اما حد و حدود خود را می دانست.

اردوغان این طور نیست. او بیشتر از طریقت های نقشبندی، قادریه، رافعی، نورجی، سلیمان جی و دیگر طریقت های مکتبی می داند! او به هیچ طریقت و جماعتی وابسته نبوده و نیست و از این به بعد هم اصلاً نخواهد بود. اردوغان از سال های 1990 به این سو همراه با ساختار جماعت گولن در عرصه سیاست فعال بود و او هر چیزی که خواستند نه نگفت، اما دیگر آن زمان گذشت و اکنون اردوغان کوله باری از تجارب مختلف را در دوش خود دارد. لذا او دیگر خواسته های بی حد و اندازه طریقت ها را محقق نخواهد کرد. مطالبات آنها فقط در چارچوب نظم معین شده از طرف شخص اول مملکت تأمین خواهد شد. اگر اصرار بیش از اندازه هم بکنند از جوانب مختلف دینی مذهبی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و ... محکوم خواهند شد. اردوغان خوب می داند که وضعیت عرفانی گری، صوفی گری و مذهبی گری فعلی طریقت های ترکیه همانند «سیاهی ته دیگ» می باشد.

طریقت علوی هم از دو سو تحت فشار قرار خواهند گرفت: 1- طریقت های اهل سنت حنفی: طریقت های فوق الذکر سودای نفوذ در ساختار سیاسی دارند، لذا اجازه ورود و نفوذ طریقت علوی را که تفکر و اندیشه ای متضاد دارند، نخواهند داد. در این راستا رهبران طریقت ها، حکم ها و فتوای زیادی در خصوص بی دین و زندق بودن علویان صادر خواهند نمود تا هویت مسالمت آمیز علویان را از یک طرف نزد افکار عمومی خدشه دار کنند و از طرف دیگر دولت را علیه علویان بشورانند 2- ساختار سیاسی حاکم که مبنای خود را بر اندیشه و تکفر دینی اردوغان قرار داده است: علویان در سال های گذشته به حزب عدالت و توسعه اعتماد نداشته و به هیچ وجه رأی نداده اند، لذا طبیعی است که دولت هم به آنها اعتماد نکند.

هر چند نباید این نکته را فراموش کرد که دولت اردوغان به دلیل ترس از نفوذ و قدرت گیری طریقتی خاص، به صورت شناور از طریقت های مختلف استفاده ابزاری کند. لذا جامعه علوی باید از این فرصت استفاده نموده و جای پای خود را همانند دیگر طریقت ها که فعلاً هیچ کدام به محدوده «دال مرکزی» دست نیافته اند، محکم کند. در پایان باید گفت آن طریقتی که در حال حاضر و به احتمال زیاد در سال های آتی کشور ترکیه را مدیریت خواهد کرد، طریقت «طبیعت» است. طریقت های دیگر بسته به

تصمیمات طریقت مذکور، به فعالیت خواهند پرداخت. نویسنده: حسن صادقیان/ تحلیلگر مسائل ترکیه و علویان